

سفر به بیست سال بعد

سوار بر ماشین زمان ذهنتان شده‌اید و زمان را به بیست سال بعد می‌برید. می‌خواهید ببینید چه اتفاقی افتاده و چه چیزی تغییر کرده است. شاید فکر کنید ماشین زمان خیالی است. ایرادی نیست، چشمانتان را ببندید و خودتان را در بیست سال بعد تصور کنید. چه تصویری از خود می‌بینید؟ بهتر بگوییم، دوست دارید چطور آدمی باشید؛ با چه ویژگی‌هایی؟ این سؤال ساده و مهم است. این تصویر هر چه باشد و هر چقدر با بقیه متفاوت باشد، دو موضوع برای همه یکسان است: زمان و تلاش.

زمانی که مثل برق و باد می‌گذرد. همان زمان که با چشم‌بسته در حال تصور آینده هستید، ناخودآگاه احساس می‌کنید چقدر زمان کمی باقی‌مانده است برای ساختن «خود» آرزوهایم! چقدر کار زیاد است و کاش به بیست و چهار ساعت شبانه‌روز، دو ساعت اضافه شود تا به کارها برسیم!

و «خود» آرزوهایی که در تصور با چشم‌بسته، دوست دارید همه چیزهای خوب را، کم‌کم در این ماشین خیالی زمان، به بیست سال آینده خودتان بچسبانید. همین لحظه است که ناخودآگاه با خودتان می‌گویید: چقدر باید تلاش کنم؟ چقدر فاصله دارم با «خود» آرزوهایم؟

چشمانتان را باز کنید، در این ماشین زمان و سفر خیالی بیست‌ساله، چیزی با عنوان «نمی‌شود»، «نمی‌توانم»، «امکاناتم کم است»، «حوصله ندارم» یا «خسته شدم» را مشاهده کردید؟! پاسخ حتماً یک «نه» غلیظ است!

پس شروع کن. کارها زیاد و زمان کم است و چاره در تلاش است. باید جنگید و جلورفت. آینده‌ات و آینده جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، منتظر تلاش ما هستند؛ حتی اگر امکاناتمان هم کم باشند. شهید حسن تهرانی مقدم، پدر علم موشکی ایران، یک جمله معروف دارد که می‌گوید: «فقط انسان‌های ضعیف به اندازه امکاناتشان کار می‌کنند.»